

نمادشناسی نقش نیلوفر بر بدنه پلکان شرقی آپادانا

مهسا میرشاهی / دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران*
mahsamirshahi76@gmail.com

چکیده

یکی از شاخص‌ترین نمادهای گیاهی و باستانی، گل نیلوفر است که یکی از نمادهای مشهور پیش از اسلام و پس از اسلام نیز به شمار می‌رود. در ادیان گوناگون، آفرینش خدایان، منجیان و پیامبران با این گل در ارتباط بوده است. در این پژوهش، نمادهای این گل در بدنه پلکان شرقی آپادانا بررسی می‌شود. در این پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و بررسی و مطالعه گزارش‌های مکتوب، با شیوه توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نیلوفر یکی از نمادهای مهم هنری در بستر تاریخ، معماری و نقاشی است. نیلوفر از آن دسته گیاهانی است که در آیین‌های مختلف مورد توجه بوده و بین اساطیر ایرانی، نیلوفر آبی، نماد آناهیتا، یزد بانوی آب در باور ایرانیان به شمار می‌آید. آن‌چنان که ایرانیان گل نیلوفر آبی را گل ناهید خوانده و ناهید تصور اصلی مادینه هستی در روایات دینی ایران قدیم است. بارزترین جلوه نیلوفر آبی در هنر ایران باستان، در دوره هخامنشی است. هنر دوره هخامنشی را بیشتر هنر آیینی و نمادگرا می‌توان تلقی کرد که جلوه‌گاه این نمادها در تخت جمشید است. در اساطیر، نیلوفر یکی از نشانه‌های بزرگ آفرینش بوده است و ریشه در آب دارد، که نماد تطهیر، پاکی و نوزایی است. با توجه به این که در دست خدای خورشید (رع)، نیلوفر است و همین می‌تواند به معنای ظهور و تجلی بر زمین باشد. به کار برده شدن نیلوفر بر روی پلکان شرقی آپادانا با فرض بر این که پلکان محلی برای عروج و رفتن به مرتبه‌ای بالاتر است، ضمن این که دایره بودن نیلوفر دلالت بر ابدیت دارد، می‌تواند با توجه به تکرار این گل در طول راه پله، نمایان‌گر سیر سلوک باشد که قرار گرفتن این گل در زیر درخت سرو که جنبه روحانی در ایران باستان داشته است و نماد خدای گیاهان بوده، نمایان‌گر این سیر سلوک زیر پرچم خالق بوده است و صحت این برداشت را می‌تواند تأیید کند.

کلیدواژه‌ها: هخامنشیان، نماد، گل، نیلوفر آبی، آپادانا.

Symbology of the Lotus Motif on the Body of the Eastern Staircase of Apadana

Mahsa Mirshahi / Master's student in Art Research, Faculty of Arts, Ferdous Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.*

mahsamirshahi76@gmail.com

Abstract

One of the most significant plant and ancient symbols is the lotus flower, considered one of the famous symbols before and after Islam. In various religions, this flower has been associated with the creation of gods, saviors, and prophets. In this research, the symbols of this flower are examined in the body of the eastern staircase of Apadana. In this research, the library method and the review and study of written reports have been used in a descriptive-analytical way with a comparative approach. The results of this research show that the lily is one of the critical artistic symbols in the context of history, architecture, and painting. The lotus is one of those plants considered in various rituals, and in Iranian mythology, the water lily is the symbol of Anahita, the goddess of water in Iranian belief. As the Iranians called the lotus flower, the flower of Venus, Venus is the main idea of the female existence in the religious traditions of ancient Iran. The most obvious manifestation of the lotus in ancient Iranian art is in the Achaemenid period. The art of the Achaemenid period can be considered ritualistic and symbolic art, and the manifestation of these symbols is in Persepolis. In mythology, the lotus has been one of the great symbols of creation and is rooted in water, which symbolizes purification, purity, and rebirth. Because in the hand of the Sun God (Ra), there is a lotus, which can mean the appearance and manifestation on earth. The use of the lotus on the eastern staircase of Apadana, assuming that the stairs are a place for ascension and going to a higher level, while the circularity of the lotus signifies eternity, it can represent the course of the journey due to the repetition of this flower along the staircase. May the placing of this flower under the cypress tree, which had a spiritual aspect in ancient Iran and was the symbol of the god of plants, represents this course of walking under the banner of the Creator and can confirm the validity of this perception.

Keywords: Achaemenians, symbol, flower, lotus, Apadana.

مقدمه

یکی از شاخص‌ترین نمادهای گیاهی و باستانی، گل نیلوفر است. نیلوفر/نیوپل/نیلپر از سانسکریت تیره نیلوفریان، نزدیک به آلاله است و نیز یکی از نمادهای مشهور پیش از اسلام و پس از اسلام گل نیلوفر است. در ادیان گوناگون، آفرینش خدایان، منجیان و پیامبران با این گل در ارتباط بوده است. این گل در هند و مصر، نماد چهار عنصر اصلی آب، خاک، باد و آتش است. این گل با پاکی و تولد دوباره بعد از مرگ ارتباط پیدا می‌کند و در هند، نماد پاکی و قداست الهی و نماد راستی است و همچنین در ایران، گل نیلوفر نماد خورشید است که به علت باز شدن این گل با طلوع خورشید و بسته شدن وی با غروب خورشید این‌گونه معنا یافته است.

بنابر آنچه بیان کردیم، در این پژوهش، تلاش بر این است که نگاه متفاوت بر نگاره گل نیلوفر که یکی از نمادهای پراهمیت دوران باستان به ویژه دوره هخامنشیان است، صورت پذیرد. ضرورت انجام این کار، بررسی نشدن گل نیلوفر به صورت خاص بر روی دیواره مشخص شده است.

روش پژوهش

در این پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و بررسی و مطالعه گزارش‌های مکتوب با شیوه توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

مطالعات زیادی در رابطه با گل نیلوفر در هخامنشیان صورت گرفته است. ولی به طور مشخص موثرترین کسانی که بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی و مستندات تاریخی این موضوع را مورد تحقیق و پژوهش قرار داده‌اند در ادامه بیان می‌شوند. بلخاری (۱۳۸۴) در این‌باره کتاب *اسرار گل* مکنون را نوشته که به طور خاص، مطالبی را در رابطه با این گل آورده است. در این کتاب، افزون بر این‌که گل نیلوفر در ایران باستان بررسی شده، در ادیان هند و مصر نیز ارزیابی گردیده است. صباغ پور (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «سیر تحول و تطور نقش و ساختار قالی‌های صفحه قاجار»، درباره گل نیلوفر آبی سخن گفته است. همچنین فراق‌دان و هوشیار (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی تطبیقی مفاهیم گل نیلوفر آبی در

ایران، هند و مصر»، درباره گل نیلوفر سخن به میان آورده‌اند. خرازی زاده (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی با عنوان «نقش گیاهان در هنرهای تجسمی ایران باستان» که درباره گیاهان است، به طور مختصر، در مورد نیلوفر آبی با عنوان یکی از گیاهانی که در هنرهای ایرانی باستان از آن بهره گرفته شده، مطالبی را بیان کرده است. تفاوت این پژوهش، با موارد موجود بررسی یک نگاره خاص از دوره هخامنشیان بوده که تاکنون این گونه مورد مطالعه قرار نگرفته است.

هخامنشیان

«امپراتوری هخامنشیان ۲۳۵ سال دوام آورد» (خرد، ۱۳۹۷: ۱۵). بر اساس مستندات موجود در حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد، قراردادی میان پادشاه ایران و هخامنش جدید سلسله هخامنشیان و پادشاه ایلام شوشتر و ناپیوندی دوم منعقد شده است. بر اساس این قرارداد، هخامنش تعهد نموده ایلامی‌ها را با قدرت نظامی علیه آشوری‌ها حمایت کند. در مقابل، شاه ایلام تعهد نموده قوم پارس‌ها می‌توانند در منطقه ایران استفاده دائمی پیدا کنند. بنابراین پارس‌ها حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد، به آن منطقه که امروز مهد این ملت خوانده می‌شود، در منطقه فارس و نزدیک کوهستان‌های اطراف تخت جمشید و پاسارگاد استقرار پیدا کردند (Koch, 1988: 3). موسس قلمروی جهانی هخامنشیان، کوروش دوم وابسته به آخرین پادشاه ماد آستیگس بود که در ۵۵۸ سال پیش از میلاد، پادشاه قبایل ایرانی شد و در ۵۵۰ سال قبل از میلاد، علیه مادها قیام کرد و شاه ماد را از سلطنت برکنار کرد (Lukonin, 1986: 38). کوروش که وارث دولت ماد و فرمان‌روایان آشور آواراتو و آسیای صغیر شده بود، زمان فتح لیدی در آسیای صغیر و بابل در بین‌النهرین، شروع به تأسیس امپراتوری هخامنشیان کرد؛ هرچند قسمت بیشتر دوره حکومت کوروش را سفرهای جنگی شرق و غرب دربر گرفته بود و کوروش فرصت کمی برای فعالیت‌های دیگر داشت، ولی او پس از توسعه و گسترش حکومت خود، شوش را به‌عنوان پایتخت انتخاب نمود و پس از شورش هکمتانه یا همدان و حتی پس از آن، بابل را به پایتختی انتخاب می‌کند (گیرشمن، ۱۳۴۴: ۱۴۴).

هنر هخامنشیان

هنر هخامنشی، هنری جاویدان و باشکوه است. در عین حال، در زمان خود، هنری

کاربردی بوده است. در نگاه نخست، شاید تنها شکوه و بزرگی و تصور دشواری آفرینش این آثار، چشم‌گیر به نظر بیاید، اما با بررسی بیشتر و نگاهی دقیق‌تر به آثار و نقش‌های این دوران، پیچیدگی‌ها، رازها و روابط موجود بین عناصر به‌کار رفته در آن‌ها، حس زیبایی‌شناسی و شگفت‌پسندی ما را نیز ارضا می‌کند. چنین به‌نظر می‌رسد که عناصر تصویری موجود در آثار هخامنشی، تنها برای تزیین و زیباسازی به‌کار گرفته نشده‌اند، بلکه دارای بیانی نمادین و مفهومی عمیق‌تر می‌باشند.

آثار به‌جا مانده از این دوره تاریخی، گویای آن است که بسیاری از تصاویر منقوش بر سنگ و دیوار بناها، ظروف و ریتون‌ها و زیورات و اشیاء، به‌عنوان نشانه‌های نمادین ترسیم شده‌اند. برای مثال، نقش شیر را مکرراً در آثار هخامنشی می‌بینیم. درخت سرو و گل نیلوفر آبی نیز از جمله نقوشی هستند که هنرمندان هخامنشی مکرراً در جای‌جای تخت جمشید به‌تصویر کشیده‌اند و در کتاب‌ها و منابع مختلف، از آن‌ها به‌عنوان نماد یاد شده و هریک را یادآور مفهومی خاص دانسته‌اند.

مثال بسیار ساده، نقش سرو است که فرم انتزاعی منطبق بر آن، یک مثلث رو به بالا است یا گل نیلوفر که از ترکیب دایره و دو فرم مثلث ساخته شده است. از آن‌جا که شکل‌ها بسته به حالت و موقعیتی که دارند می‌توانند بیان‌کننده مفهومی باشند، هر یک پیام‌آور معنای خاص‌اند. این‌که نقشی دارای چه شکلی باشد. گرد باشد یا سه‌گوش یا چهارگوش، دارای فرم کشیده، عمودی یا افقی، از تفاوت معنایی خاص برخوردار است. سه فرم اصلی (مثلث، مربع، دایره) با چهار جهت در فضا طبقه‌بندی می‌شوند. مشخصه مربع حالت افقی و عمودی آن است، مشخصه مثلث، حالت مورب و قطری بودن آن است و مشخصه دایره، حالت مدور آن است (ایتن، ۱۳۸۳).

برخی از ویژگی‌های هنر هخامنشیان، به‌طور برگزیده عبارتند از:

۱. هنری نمادین و سمبلیک به‌شمار می‌رود.
۲. پراهمیت‌ترین هنر این دوره، «نقش برجسته» بودن آن است.
۳. این هنر در زمینه ترسیم حیوانات و برخی نباتات، به شیوه ناتورالیسم عمل می‌کند و به طبیعت توجه کامل دارد.
۴. در زمینه ترسیم درخت‌ها و مرغ‌های خیالی و علامت‌ها و امثال آن، هنری تجریدی و ابداعی و در نقوش انسانی، هنری عاری از جزئیات است (خرد، ۱۳۹۷: ۱۵).

نمادها

۱. آب

آب نخستین نمادی است که همه چیز از آن آفریده شده است. بنابراین، این نماد باستانی برای باروری، زهدان، تطهیر و نوزایی بوده است. مورخان یونان، ستایش آب را به ایرانیان نسبت داده‌اند. در اساطیر ملل، آب را نماد مرگ و زندگی دانسته‌اند. در اسطوره‌های ایران، دو فرشته نگهبان به نام‌های «آناهیتا» و «آپم نپات» وجود دارد که به‌عنوان فرشته مخصوص آب از آن‌ها یاد می‌شود. در حماسه رامایانا (اساطیر هند) آمده است که زمین در آب تشکیل شده است. برهمن (تنها خدایی که بیرون از آب به وجود آمده است)، به‌صورت گرز درآمد و زمین را از درون آب بالا آورد و نیز به ویشنو لقب «نارایانا» به‌معنای متحرک در آب‌ها) داده‌اند. در مراسم عبادی هندوها، کوزه‌ای پر از آب که نماد حضور خدا است، روزانه نگاه داشته می‌شود. گل نیلوفر و آب، نماد بودایی محسوب می‌شوند و این آیین از هندوهای اصیل گرفته شده است (همان: ۳۸۳).

۲. آتش

واژه آتش در اوستا، آتر، در پارسی، آدر و آذر و در پهلوی، آتور و آتش است. ریشه این کلمه در سانسکریت، «آدری» به‌معنای شعله است که به آن صفت خدای آتش را داده‌اند. هندوها آتش را رب النوع آسمان می‌دانند و چنین می‌اندیشند که آتش از آسمان به زمین آمده است. در ایران، آتش مظهر ربانیت است و شعله‌اش را یادآور فروغ خداوندی می‌دانند (همان).

۳. دایره

مانند کره، نمادی برای آسمان، کیهان و خدا در شرق و غرب است. اومانیست‌ها با توجه به شکل کامل دایره، آن را به خدا تشبیه کردند. دایره به علت نداشتن آغاز و پایان، دلالت بر ابدیت دارد و گاهی در غرب، به شکل ماری نشان داده می‌شود که دم خود را می‌گزد که این نشان داری منشأ مصری بوده و در آن‌جا به‌معنای بی‌کرانگی اقیانوس بوده است (همان: ۳۸۷).

۴. سرو

سرو (درخت مقدس)، مانند لوتوس به کرات در نقوش حجاری شده تخت جمشید دیده

شده است و در اعتقادات ایرانیان باستان، جنبه روحانی داشته است. در ایران باستان، درخت سرو، نماد خدای گیاهی، علامت پایداری، رونق و قدرت است. ایرانیان معتقد بودند که این درخت را زرتشت از بهشت آورده است و از دیرباز، علامت خاص ایرانیان بوده است. در روایات کهن ایران سرو صفت «آزادگی» است (همان: ۳۹۸).

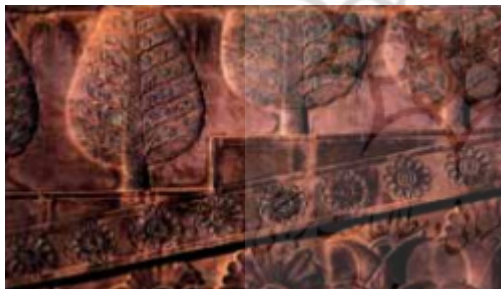
۵. نیلوفر

گل‌های پیچک، لوتوس یا نیلوفر، هر سه گیاهانی هستند که در فارسی، گل آب‌زاد، گل آفرینش، گل زندگی و یا گل نیلوفر آبی نامیده شده‌اند. در اساطیر هندی، نیلوفر یکی از نشانه‌های بزرگ آفرینش و ایزد بانوان معرفی هند محسوب می‌شود. پراهمیت‌ترین جنبه نیلوفر آبی، ارتباط آن با آب است. نیلوفر آبی گرچه ریشه در عمق آب دارد، اما بر سطح آب می‌روید. این گل مظهری از شکوفایی جهان و نیل آن به مرتبه تجلی و ظهور است. در دست «رع»، گل لوتوس دیده می‌شود. در نگاره‌های مانوی، لوتوس نماد «زایش مهر» است (همان: ۴۰۲).

گل نیلوفر

معروف است که این گل با آفتاب سر بیرون می‌آورد و باز با آفتاب فرو می‌رود و گویند مرغی به وقت فرو رفتن در میان نیلوفر برمی‌آید و صباح که نیلوفر از آن برمی‌آید و دهان می‌گشاید، آن مرغ می‌پرد و می‌رود (معین، ۱۳۳۵: ۸۲۵). نام گل نیلوفر در زبان سانسکریت، پادما (Padma)، در زبان چینی، لی‌ین‌هوا (hua-lien)، به زبان ژاپنی، رنگه (Range) و در انگلیسی، لوتوس (lotus) است. گل نیلوفر یکی از شاخص‌ترین نمادهای گیاهی و باستانی است و از جمله نمادهایی است که از تمدن مصر و فنقیه وارد دنیای باستان شرق از جمله ایران شده است. ایرانیان گل نیلوفر را نماد خورشید، کمال، زیبایی، باروری می‌دانند. نیلوفر یعنی شکفتن معنوی، زیرا ریشه‌هایش در لجن است و با این حال، به سمت بالا و رو به آسمان می‌روید. در نگاره‌های تخت جمشید تا طاق بستان، نماد صلح است و از آن‌جا که این گل با آب در ارتباط است، نماد آن‌اهیتا، ایزد بانوی آب‌های روان است که با آئین مهر پیوندی نزدیک دارد. نیلوفر در ایران، نماد نور است و در زبان فارسی، به نام گل آب‌زاد یا گل زندگی و آفرینش نیلوفر آبی خوانده شده است (بهار، ۱۳۷۷: ۶۰۱). این گل در ایران، حامل تخت

خداوند یا سریر دانسته شده است. می‌توان وحدت اندیشه را در دوره‌هایی که اسطوره‌ها شکل گرفتند، در صورت و نام این گل متمرکز دید. ابوریحان بیرونی نیلوفر را بن نیلوفر یا نیلو برگ و نیلوفر وردالشمس یا ردالمجوس که همواره رو به سوی خورشید دارد، می‌نامد. این اسامی یادآور رابطه این گل با فرهنگ کهن ایران بوده است. نیلوفر یا گل لوتوس در فرهنگ و هنر ایران با نام‌های دیگری مانند گل کنگر در فارس و نخل باد بزی و نیلوفر آبی نیز شناخته شده است (پرهام، ۱۳۶۴: ۱۰۴). بارزترین جلوه نیلوفر آبی در هنر ایران باستان، در دوره هخامنشی است. هنر دوره هخامنشی را بیشتر هنری آیینی و نمادگرا می‌توان تلقی کرد که جلوه‌گاه این نمادها در تخت جمشید است. با تأمل در نگاره‌های تخت جمشید، متوجه اهمیت این گل می‌شویم. نکته قابل توجه در بنای تخت جمشید، تنوع گل نیلوفر است که در تعداد گل برگ‌ها یا ترسیم آن‌ها به چشم می‌خورد. در این پژوهش، به‌طور خاص تأکید بر گل‌های نیلوفر ۱۲ برگ (تصویر ۱) که زیر درختان سرو بر بدنه پلکان شرقی کاخ آپادانا ترسیم شده است، وجود دارد. لایه‌های متعدد گلبرگ‌های آن نمایان‌گر ادوار مختلف جهان، مقاطع و مراتب گوناگون هستی است.



تصویر ۱: نقش سرو و گل نیلوفر بر بدنه پلکان شرقی کاخ آپادانا، (په‌ار، ۱۳۷۷: ۳۵)

نتیجه

نیلوفر یکی از نمادهای مهم هنری در بستر تاریخ، معماری و نقاشی است. نیلوفر از آن دسته گیاهانی است که در آیین‌های مختلف مورد توجه بوده و بین اساطیر ایرانی، نیلوفر آبی نماد آن‌اهیتا، یزد بانوی آب در باور ایرانیان به‌شمار می‌آید. آن‌چنان که ایرانیان گل نیلوفر آبی را گل ناهید خوانده و ناهید تصور اصلی مادینه هستی در روایات دینی ایران قدیم بوده است. بارزترین جلوه نیلوفر آبی در هنر ایران باستان، در دوره هخامنشی است. هنر دوره هخامنشی را بیشتر هنر آیینی و نمادگرا می‌توان تلقی کرد که جلوه‌گاه این نمادها، در تخت جمشید است. موضوعی که موجب می‌شود گل نیلوفر آبی هنر آیینی و نمادگرای هخامنشی حضور

و نقش پررنگی داشته باشد. تأمل بر شباهت روابط موجود درباره تولد زرتشت و سه منجی آخرالزمان آیین زرتشت، هوشیدر، هوشیدر ماه و سوشیانس، همراه افسانه‌تولد میترا در آیین مهرپرستی، برهما در آیین هندوئیسم و بودا، نشان می‌دهد که نیلوفر آبی، تنها گیاهی است که می‌تواند زرتشت و فرزندان او را در دریاچه کیانسه حفظ و نگهداری نماید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در اساطیر نیلوفر یکی از نشانه‌های بزرگ آفرینش بوده است و ریشه در آب دارد که نماد تطهیر، پاکی و نوزایی است. با توجه به این که در دست خدای خورشید (رع) نیلوفر است، همین می‌تواند به معنای ظهور و تجلی بر زمین باشد. به کار برده شدن نیلوفر بر روی پلکان شرقی آپادانا، با فرض بر این که پلکان محلی برای عروج و رفتن به مرتبه‌ای بالاتر است، ضمن این که دایره بودن نیلوفر دلالت بر ابدیت دارد، می‌تواند با توجه به تکرار این گل در طول راه پله، در این جا نمایانگر سیر سلوک باشد که قرار گرفتن این گل در زیر درخت سرو که جنبه روحانی در ایران باستان داشته است و نماد خدای گیاهان بوده، نمایانگر این سیر سلوک زیر پرچم خالق بوده است و صحت این برداشت را می‌تواند تأیید کند. به‌عنوان آینده این پژوهش، می‌توان این تصویر را با مواردی مشابه در نظر گرفت و به تجزیه و تحلیل نمادین آن پرداخت.

منابع

- ایتن، یوهان. (۱۳۸۳). طرح وفرم. تهران: مارلیک.
- بلخاری قه‌ی، حسن. (۱۳۸۴). اسرار مکنون یک گل. تهران: حسن افرا.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۷). از اسطوره تا تاریخ. تهران: چشمه.
- پرهام، سیروس. (۱۳۶۴). دست‌بافت‌های روستایی و عشایری فارس. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- خرازی زاده، شادی. (۱۳۸۸). نقش گیاهان در هنرهای تجسمی ایران باستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- صباغ پور، طیبه. (۱۳۸۸). سیر تحول و تطور نقوش و ساختار قالی‌های صفویه و قاجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- فراق دان، عاطفه و هوشیار، مه‌رمان. (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی مفاهیم گل نیلوفر آبی در ایران، هند و مصر». نقش‌مایه. ۳(۶): ۴۹-۵۸.
- گیرشمن، رومن. (۱۳۴۴). ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- مهدی، خرد. (۱۳۹۷). مرجع کنکور کارشناسی ارشد هنر و دکترا. دو جلدی. تهران: نظام الملک.
- Kock, Heidemarie. (1988). *Parsien Zur Zeit des Darius*. Das Achamendenreich im Lichte neuer Quellen, Marburg.
- Lukonin, Wladimir. (1986), *Kunst der alten Iran*, Leipzig.

